این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

«قبول حق باشد» یعنی چه؟!

آیت‌الله فاطمی‌نیا:

یک چیزهایی وجود دارد، به مردم تذکر دادم که ممکن است چیزی هم نباشد ولی دوست دارم حرف‌های ما منطقی باشد. از جمله در مجلسی که محرم داشتیم تشریف می‌آوردند، به مردم گفتم، نماز خوانده است، حاج‌خانم قبول باشد. قبول حق باشد. یعنی چه؟ من این‌قدر مطالعه کردم نتوانستم معنای این را بفهمم. اِین الان دارد برای شما یک دعا می‌کند. «وَإِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها» اگر تحیّتی بود شما بهتر جواب بدهید. گفت: سلام. بگو: سلام علیکم. گفت: سلام علیکم. بگو: سلام علیکم و رحمت‌الله. «أَوْ رُدُّوها» حالا این آیه تفسیر دارد. علی‌الحساب قبول باشد یک تحیتی است. قبول حق باشد یعنی چه؟ یعنی قرار بود قبول شیطان باشد. من نمی‌دانم این چه حرف بی‌ربطی است و از کجا آمده است. این را جواب بده، بگو: خدا شما را حفظ بکند، إن‌شاءالله حوائج تو هم برآورده بشود. من به شما فرصت می‌دهم تا فردا شب جست‌وجو بکنید، ببینید این قبول باشد، تفسیر دارد. قبول حق باشد یعنی چه؟

منبع: کانال تلگرامی «در محضر استاد فاطمی‌نیا» به استناد جلسه هشتم سیری در نهج‌البلاغه

بازنشستگی پیش از موعد کارمندان به‌کام بخش خصوصی

سیدسجاد پادام توئیت کرد: یکی از مشعشع‌ترین استدلال‌ها نزد سیاستگذاران برای بازنشستگی پیش از موعد کارمندان دولت نه همه ملت، این است که موجب اشتغال جوانان می‌شود. در صورتی که این استدلال به شدت غلط است و اتفاقاً نیروی کار باتجربه بدون نیاز به بیمه نسبت به جوانان گزینه بهتری برای کارفرمای بخش خصوصی محسوب می‌شود.

مجوز لیگ آسیا برای استقلال و پرسپولیس صادر خواهد شد؟

محمد میرزایی در توئیتی نوشت: استقلال و پرسپولیس برای کسب مجوز لیگ آسیا به مشکل خوردن و ممکنه از رقابت‌ها حذف بشن. پیگیری‌ها نشان میده پارسال سلطانی‌فر با حضور در کنفدراسیون فوتبال آسیا تعهد داده طی یک سال وضعیت مالکیتی و مسائل مالی دو باشگاه شفاف بشه اما این اتفاق نیفتاده. همین مسئله باعث شده مجوز تیم‌ها صادر نشه.

چرا تحریم‌های ایران از کره‌شمالی هم بیشتر است؟

فواد ایزدی توئیت کرد: جدول مجله اکونومیست درباره تحریم‌های امریکا: ایران در رتبه یک و کره‌شمالی در رتبه ۴. چرا تحریم‌های کره‌شمالی با داشتن انواع بمب‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما حدود یک‌چهارم ایران است؟ پاسخ صحیح به این سؤال اهمیت ویژه‌ای دارد.

تصویر منتخب

قالیچه محرابی صفوی (قرن شانزدهم میلادی) منقش به کتیبه‌های شیعی
از صفحه توئیتری «محمد کلهر»

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تفاخر سفارت کره‌جنوبی به اهدای ۲هزار ماسک به بیمارستان آتیه

وقاحت بازوی تروریسم دارویی با اهدای ۲هزار ماسک

صفحه توئیتری سفارت کره‌جنوبی در ایران طی توئیتی با تفاخر خبر داده‌است: «در جریان دیدار از بیمارستان آتیه و برای کمک به مردم ایران برای غلبه بر کووید۱۹، جناب سفیر یون، ۲ هزار عدد ماسک (کی‌اف۹۴) را به بیمارستان اهدا نمودند.» این خبر با واکنش‌های شدید کاربران فارسی‌زبان توئیتر مواجه شد. کاربران اهدای ۲هزار ماسک را در حالی که میلیاردها دلار پول ایران در این کشور بلوکه شده آن‌هم در حالی که ایران خود صادرکننده ماسک است، تعبیر به حقارت کردند و از رئیس بیمارستان آتیه خواستند ماسک‌ها را به این سفارت پس دهد. کاربران همچنین کره‌جنوبی را به دلیل بلوکه کردن پول‌های ایران، بازوی تروریسم دارویی امریکا خواندند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران آمده است.

■ **سارا معصومی:**
چند میلیارد پول مردم یک کشور را از بیم کشور ثانی در قبضه خود نگاه داشتید و به بازوی تروریسم دارویی امریکا علیه ۸۰میلیون نفر تبدیل شدید و حالا از کمک به مردم ایران با ۲ هزار عدد ماسک هم سخن می‌گویید؟

■ **مهدی سالاری:**
۲هزار تا ماسک که سوپری‌های ما هم می‌تونن اهدا کنن! متضرر نشید یه وقت...

■ **زهرا.س:**
مردم ایران نیازمندِ چهار تا دونه ماسک نیستن که انقد خودتو به زحمت انداختی! ایران صادرکننده ماسک هم هست محض اطلاعت و یکم از اون زمانی که اکثر کشورا با بحران کمبود ماسک روبه‌رو شده بودن گذشته؛ شما خیلی میخوای نشون بدی شبیه آدم حسابیا هستی پول‌های بلوکه‌شده مردم ایران رو پس بده!

■ **کوروش غدیری:**
جناب خلیل علیزاده فوراً این ماسک‌های اهدایی سفیر کره‌جنوبی را پس دهید و این‌گونه با آبروی یک ملت تاریخی و بافرهنگ بازی نکنید، این نوکرهای امریکا هم ۹میلیارد دلار پول ملت ایران را بدهند و دست از خودنمایی تهوع‌آور بردارند. #بیمارستان_آتیه

■ **سیدصادق حسینی:**
خجالت‌آور است؛ شرم نمی‌کنید میلیاردها دلار از پول مردم ایران را گروگان گرفته‌اید؛ بعد خبر اهدای ۲هزار ماسک سفیرتان را منتشر می‌کنید... شرم نمی‌کنید از این وقاحت...

■ **رضا وثوقی:**
انتظار عقلایی این است که بیمارستان آتیه طی اطلاعیه‌ای اعلام کند ضمن قدردانی از حسن نیت سفارت کره جنوبی، ۲هزار عدد ماسک اهدایی پس فرستاده و به نماینده سفارت تحویل داده شد. وزارت خارجه هم سفارت کره را از اقدامات خیرخواهانه عمومی تازمان تسویه بدهی این کشور برحذر دارد.

■ **پیام برازجانی:**
اشکال از این سفیر نیست، از ماست که بر ماست، تأسف واقعی برای رئیس و مالکین بیمارستان آتیه است که به این حقارت تن می‌دهند برای چند عکس. کشوری که ۱۰میلیارد دلار ملت را بلوکه کرده ۴میلیون تومان به مردم ایران کمک می‌کند! هزار نکته باریک‌تر ز موا این جاست/نه هر که سر بتراشد قلندری داند.

■ **مونا بختیاری:**
با توجه به اینکه ۹/۲ میلیارد دلار دارایی‌های ایران را مسدود کردید، میشه گفت هر ماسک را ۴/۶ میلیون دلار حساب کردید.

■ **هادی محمدی:**
ایران نیاز چندانی به اقلام اهدایی شما ندارد بیش از همه دنبال آزاد کردن میلیاردها دلار اموال ملت ایران باشید که به دلیل عدم استقلال واقعی شما از امریکا، بلوکه کرده‌اید.

■ **کمال‌الدین بهزاد:**
۲هزار تا ماسک قیمتش میشه ۱۰۰۰ دلار! من جای رئیس بیمارستان آتیه بودم خودتون رو با کارتن ماسک‌ها مشایعت می‌کردم درب خروج جناب «یون».

حمله‌ای که اسطوره شکست‌ناپذیری ناپلئون را پایان داد

محمدرضا فتح‌اللهی در صفحه شخصی خود در پلتفرم اجتماعی «ویرگول» نوشت: طی سال‌های ۱۸۰۵ الی ۱۸۰۷، ناپلئون طی چند نبرد موفق به شکست ارتش‌های امپراطوری روسیه، امپراطوری اتریش و پادشاهی پروس شد. این جنگ‌ها نهایتاً منجر به امضای قرارداد «تیلسیت» بین الکساندر تزار روسیه و ناپلئون شد. ناپلئون که از حمله نظامی مستقیم به امپراطوری بریتانیا ناتوان بود سعی داشت با اجرای نوعی محاصره اقتصادی موسوم به «سیستم قاره‌ای» این کشور را به زانو درآورد که روس‌ها برخلاف تعهدشان در قرارداد تیلسیت از اجرای کامل تعهداتشان در این سیستم سر باز زدند. این امر در کنار چند حادثه دیگر منجر به کم‌رنگ شدن صلح روسیه و فرانسه شد به‌طوری که در سال ۱۸۱۱ هر دو کشور جنگ را اجتناب‌ناپذیر می‌دیدند و برای آن آماده می‌شدند.

از جمله مشکلات ناپلئون جنگ ناتمام اسپانیا بود که بخش قابل‌توجهی از توان او را به خود معطوف کرده بود، با این وجود او نهایتاً توانست ارتشی ۶۰۰ هزار نفری برای لشکرکشی به روسیه فراهم کند که بزرگ‌ترین ارتشی بود که اروپا تا آن روز به خود دیده بود. این در حالی بود که روس‌ها توانسته بودند ارتشی در حدود ۲۲۰ هزار نفر فراهم کنند.

در ۲۴ ژوئن ناپلئون به روسیه حمله‌ور شد، روس‌ها شروع به عقب‌نشینی و اجرای سیاست زمین سوخته کردند. به این ترتیب که در مسیر عقب‌نشینی مزارع و روستاها را به آتش می‌کشیدند تا ارتش ناپلئون نتواند از آنها برای تأمین آذوقه استفاده کند. در کنار درگیری‌های پراکنده با روس‌ها، ارتش ناپلئون به‌طور فزاینده‌ای درگیر مشکلاتی از قبیل گرمای هوا، کمبود آذوقه و بیماری بود.

در اواسط آگوست، ناپلئون موفق به تسخیر شهر اسمولنسک پس از نبردی سخت شد و پس از مشورت و تفکر تصمیم به ادامه پیشروی به سمت مسکو گرفت. از طرفی تزار روسیه به شدت مردم را به دفاع از سرزمین مادری و نبرد علیه دشمنان مسیح تشویق کرد و از طرفی دیگر ژنرال معروف و محبوب «میخاییل کوتوزوف» ملقب به ژنرال تک‌چشم را به فرماندهی کل قوای روس منصوب کرد.

نهایتاً در اوایل ماه سپتامبر در حوالی دهکده «بورودینو» در ۷۰ مایلی مسکو ارتش ناپلئون که تا آن روز تقریباً نصف قوای خود را به دلایل مختلف از دست داده بود در مقابل قوای روس به فرماندهی ژنرال کوتوزوف قرار گرفت تا صحنه برای خونین‌ترین نبرد جنگ‌های ناپلئونی تا آن زمان فراهم شود. پس از یک نبرد بسیار شدید در روز هفتم سپتامبر که منجر به کشته شدن حدود ۹۰ هزار نفر از طرفین شد، در حالی که انتظار ادامه نبرد می‌رفت، در پایان روز ژنرال کوتوزوف دستور عقب‌نشینی داد.

در ۱۵ سپتامبر ناپلئون بالاخره وارد مسکو شد، در حالی که او انتظار استقبال از خود را داشت با شهری خالی از سکنه روبه‌رو شد که آتش‌سوزی نیز در آن تازه شروع شده بود. آتشی که در طول چهار روز دو سوم مسکو را ویران کرد. از طرف دیگر تزار روسیه به نامه ناپلئون که پس از سقوط مسکو او را به صلح دعوت می‌کرد، توجهی نکرد.

شرایط در مسکو برای ناپلئون روزبه‌روز سخت‌تر می‌شد، سواران معروف کازاک مکرراً خطوط تدارکاتی فرانسوی‌ها را مورد هجوم قرار می‌دادند و همچنین برای اولین بار در طول جنگ تعداد نفرات ارتش ناپلئون از ارتش روسیه کمتر شده بود. از همه بدتر زمستان روسیه در حال فرارسیدن بود. پس از آغاز حملات کوتوزوف در اواسط اکتبر و بی‌پاسخ ماندن پیشنهاد صلح، قوای ناپلئون شروع به عقب‌نشینی از مسکو کرد. او قصد داشت خود را به اسمولنسک برساند و زمستان را در آنجا سپری کند.

در چهارم نوامبر دما به منفی ۲۰ درجه سانتی‌گراد رسید. ارتش فرانسه علاوه بر تلفات ناشی از سرما و کمبود آذوقه به‌طور مداوم مورد حمله روس‌ها قرار می‌گرفت و به‌طور کلی نظم خود را از دست داده بود. در نهم نوامبر ناپلئون بالاخره به اسمولنسک رسید در حالی که وضعیت آذوقه و ارتش، گذراندن زمستان در آن شهر را غیرممکن کرده بود. در نتیجه عقب‌نشینی ادامه یافت اما کوتوزوف ناپلئون را محاصره کرد و در نبرد کرازنی تلفات شدیدی به فرانسه وارد شد.

ناپلئون توانست از تله رهایی یابد اما در «اوشا» دوباره محاصره شد، در حالی که تعداد روس‌ها سه برابر ارتش او بود و فرانسوی‌ها که لباس و تجهیزات زمستانی نداشتند، فوج فوج بر اثر سرما کشته می‌شدند و مجبور به خوردن گوشت اسب شده بودند. در پنجم دسامبر در حالی که دما به منفی ۴۰ درجه سانتی‌گراد رسیده بود و از ۶۰۰ هزار نیروی اولیه ارتش فرانسه تنها حدود ۲۰ هزار نفر باقی‌مانده بود، ناپلئون که به سختی از محاصره گریخته بود ارتش شکست‌خورده‌اش را رها و به سرعت به سمت فرانسه فرار کرد. او پس از ۱۳ روز به پاریس رسید.

حمله ناپلئون به روسیه یکی از بزرگ‌ترین فجایع نظامی تاریخ قلمداد می‌شود. شکست بزرگ و پرتلفاتی که اسطوره شکست‌ناپذیری ناپلئون را پایان داد و راه را برای شکست‌های بعدی و پایان امپراطوری او هموار کرد.

فبک چیست؟

رضا پورحسین نوشت: اشتباه نشود فبک (#فلسفه_برای_کودک) به معنای یاددادن اندیشه‌ها نیست، بلکه یاد دادن «طریق اندیشیدن» به کودک است. ممکن است اندیشه‌ها کهنه شوند، اما اندیشیدن همیشه تازه است. #P4C #فبک

خواستگاه یا خاستگاه؟

تقی دژاکام در توئیتی نوشت: عزیزان! خواستگاه غلط و درستش خاستگاه است. خواستن از خواهش و درخواست میاد. خاستن از خیزش.
#درست_بنویسیم #ویرایش

از انواع اعدام در روم باستان چی می‌دونید؟!

صفحه توئیتری «راوی» در رشته توئیتی نوشت: نحوه اعدام مجرمان در روم متناسب با جایگاه اجتماعی بود اما در مورد همه، اصل ثابت این بود که اعدام باید جذاب و سرگرم‌کننده باشه. این اعدام‌ها در کلوسئوم (آمفی‌تئاتر معروف رومی‌ها) انجام می‌شده که چند موردش رو با هم مرور می‌کنیم:

۱) ad gladium: تو این اعدام، دو تا محکوم رو به سمت میدون هل می‌دادن که یکیشون شمشیر داشت و اون یکی باید دور میدون می‌دوید تا کشته نشه. وقتی محکوم غیرمسلح کشته می‌شد، شمشیر رو از محکوم مسلح می‌گرفتن و می‌دادن یه محکوم دیگه و این بار مسلح قبلی باید فرار می‌کرد!

۲) ad bestias: این اعدام برای کسانی بود که طبقه اجتماعی خیلی پایینی دارند. روش هم این‌طور بود که این محکوم‌ها باید از دست یه جانور وحشی گرسنه فرار می‌کردن و وقتی نای فرار نداشتن دریده می‌شدن.

۳) damnatio ad bestias: این اعدام مثل قبلی بوده ولی چون جایگاه اجتماعی محکوم بالاتر بوده بی‌خودی دور میدون نمی‌دویده. محکوم رو برهنه می‌کردن و می‌بستن به یه میله بعد حیوان وحشی رو آزاد می‌کردن تا تکه تکه شدنش رو ببینن!

۴) to crucify: روش بعد مصلوب‌سازی بوده که در این روش معمولاً مسیحیان رو به صلیب می‌کشیدن و بعد از شکستن دست و پاشون، اجازه می‌دادن حیوانات درنده اونا رو تکه تکه کنن!

۵) Battle of gladiators: برنامه آخر هم نبرد گلادیاتورها بوده که چند نفر برده یا محکوم اون‌قدر مبارزه می‌کردن تا یک نفر یا یک گروه سالم بیرون بیان و بقیه کشته بشن!

تنها راه بی‌دردسر خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی

احسان مازندرانی در توئیتی نوشت: عرضه ۵۰درصدی سهام شرکت‌های دولتی در بورس تنها راه بی‌دردسر خصوصی‌سازی آنهاست وگرنه تراژدی هفت‌تپه پیش روست. تقریباً هیچ کارشناس رسمی در ایران توانایی تشخیص NAV شرکت‌ها و ارزش برند آنها را ندارد، اگر هم واگذار شوند سرنوشت شومی در انتظارشان است. این توئیت در واکنش به خبری بود که صفحه توئیتری «پاد» منتشر کرده است: به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور جلسه کارگروه واگذاری سهام دولت برگزار شد. در این جلسه درخصوص واگذاری و قیمت‌گذاری برخی شرکت‌های دولتی برای عرضه در بورس و خصوصی‌سازی بحث و بررسی شد.

مرگ دوستدار در ناکامی و نومیدی

عطاءالله مهاجرانی، وزیر اسبق فرهنگ، در پی مرگ آرامش دوستدار، فیلسوف دین‌ناباور که در خانواده‌ای بهایی بزرگ شده بود و در آلمان زندگی می‌کرد، توئیت کرد: به مناسبت درگذشت آرامش دوستدار کتاب خویشاوندی پنهان ایشان را خواندم. مجموعه جستار(!؟) و مقالات او در کیهان لندن است. می‌توان گفت دوستدار به‌رغم عمر درازش ناکام و نومید درگذشت. در مقاله سقوط جمهوری اسلامی - در سال ۶۴ نوشت- گمان می‌کرد با درگذشت امام خمینی (ره) جمهوری اسلامی ایران سقوط می‌کند! خویشاوندی پنهان درواقع ناسزانامه است. ناسزا به: فریدون آدمیت، سیمین دانشور، غلامحسین ساعدی، باقر مؤمنی، داریوش شایگان، هابرماس، آن ماری شیمل، عبدالکریم سروش، حمید دباشی، داریوش آشوری و.. همه این ناسزاها به بهانه عقل‌گرایی یا نقد دین‌خویی است. به نظرم شیفتگان کتاب را نخوانده‌اند!

مهاجرانی پیش‌تر از این نیز در رشته توئیتی نوشته بود: هنگامی که فرد فلسفه‌خوان یا فلسفه‌دان و البته نه فیلسوف، مانند آرامش دوستدار شکار مرگ می‌شود. نمی‌دانیم چه بگوییم که با اصول تفکر و همخوان باشد. نه می‌توان گفت: خداوند او را بیامرزد، کدام خدا و کدام آمرزش؟ یا روانش شاد، کدام روان و کدام شادی و کجا؟ دوستدار فیلسوف نفی بود! ۴۰سال از عمرش را صرف مبارزه با دین‌خویی کرد. البته با درنده‌خویی با دین‌خویی مبارزه کرد. نه دین به ویژه اسلام را درست می‌شناخت و نه حتی فردوسی را. از فردوسی به‌عنوان شخصیت شاخصی در مبارزه با اسلام نام برده است. پیداست مطلقاً شاهنامه و بنیان دینی و معنوی شاهنامه را نمی‌شناخت. اگر قرار باشد از عوامل امتناع تفکر در ایران سخن بگوییم، شیوه و منش دوستدار، از جمله عوامل عدم گفت‌وگو و عصبیت مدرن است. عجیب است از فیلسوف ستیهنده به قول شیفتگانش، حتی یک کتاب فلسفی قابل اعتنا یا معتبر بر جای نمانده است. مهم‌ترین کتاب او امتناع تفکر، ملغمه‌ای به زبان یأجوج است.

سواد رسانه‌ای چیست؟

یونس شکرخواه طی یادداشتی در «کمیسیون ملی یونسکو» به چیستی سواد رسانه‌ای، کارکردها و نیازمندی‌های آن پرداخت. او در این یادداشت در تعریف سواد رسانه‌ای آورده است: سواد رسانه‌ای (Media Literacy) در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که بر اساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آنها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد.

این درک به چه کاری می‌آید؟ به زبان ساده، سواد رسانه‌ای مثل یک رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب است که چه موادی مناسب هستند و چه موادی مضر؛ چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نه یا اینکه میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد.

سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد.

شکرخواه همچنین در خصوص ضرورت سواد رسانه‌ای در عصر کنونی نوشته است: امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد، فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعات است... حالا که میلیون‌ها روزنامه، مجله، کتاب، خبرگزاری و شبکه تلویزیونی بر زمین و زمان می‌بارد همه نیاز دارند به اینکه در برابر چنین فضایی، چتری برسر بگیرند و یک رژیم مصرف اتخاذ کنند، همه نیاز دارند به اینکه در انتخاب‌هایشان بیشتر دقت کنند، درست مثل اینکه حالا مردم در مورد تغذیه خودشان عمل می‌کنند. چون مردم اکنون باسوادتر شده‌اند، مراقب هستند که در غذایی که مصرف می‌کنند چقدر کلسترول، ویتامین یا مواد دیگر باید باشد، در فضای رسانه‌ای هم باید دانست چه مقدار باید در معرض رسانه‌های مختلف اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری بود و چه چیزهایی را از آنها برداشت.

استاد پیشکسوت حوزه روزنامه‌نگاری همچنین از سه جنبه سواد رسانه‌ای نام برده است: الف: ارتقای آگاهی نسبت به رژیم مصرف رسانه‌ای یا به عبارت بهتر تعیین میزان و نحوه مصرف غذای رسانه‌ای از منابع رسانه‌ای گوناگون که در یک کلام همان محتوای رسانه‌هاست. ب: آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی. ج: تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها که در نگاه اول قابل مشاهده نیست. بنابراین اولین نکته در موضوع سواد رسانه‌ای توجه داشتن به میزان و نسبت مصرف از هر رسانه در رنگین‌کمان رسانه‌هاست و سپس توجه با این نکته دیدن و خواندن و شنیدن عمدتاً باید از موضع انتقادی باشد و سومین نکته اینکه به نقش دست‌اندرکاران و مالکان رسانه‌ها هم باید توجه داشت. شکرخواه همچنین توصیه کرده است: باید برای مبحث سواد رسانه‌ای تولید ادبیات کنیم. متأسفانه منبع در این زمینه به خصوص به زبان فارسی، اندک است و پر کردن این خلأ با تألیف و ترجمه امکان‌پذیر است. این فقر ادبیات را نهادهای آموزشی، مدنی و رسانه‌ای در ایران می‌توانند پر کنند.